

امام خمینی در سخنان بسیار با اهمیت خود گفت:

کوخ نشینها هستند که سر مایه این مملکتند نه آن کاخ نشینها

ویژه نامه

ما از اول هم امیدمان به ملت و جوانهای برومند ملت بود... از همین طبقه کارگر، طبقه جوان تحصیل کرده، بازاریها، از طبقات بقول آنها طبقات پائین و بقول من طبقات بالا استفاده کردیم. اینها بودند که نهضت را به اینجا رساندند و اینها هستند که میتوانند آنرا به پیش ببرند



بمناسبت تظاهرات مردم ایران علیه توطئه های امپریالیسم امریکا و انگلستان بر ضد انقلاب ایران در روز عید قربان

دوره هفتم، سال اول، شماره ۸۱ پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۵ ربال

اطلاعیه دبیرخانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران
در تظاهرات مردم ایران در روز عید قربان علیه امپریالیسم آمریکا و انگلستان شرکت می کند

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تبریک عید قربان به همه هم میهنان مسلمان، از اعضای، هواداران و دوستان حزب و از همه میهن دوستان و آزادیخواهان ایران دعوت می کند که در تظاهراتی که در این روز، برای ابراز نفرت و اتر جار نیست به توطئه های امپریالیسم آمریکا و انگلستان علیه انقلاب ایران صورت می گیرد، شرکت کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۹ آبان ماه ۱۳۵۸

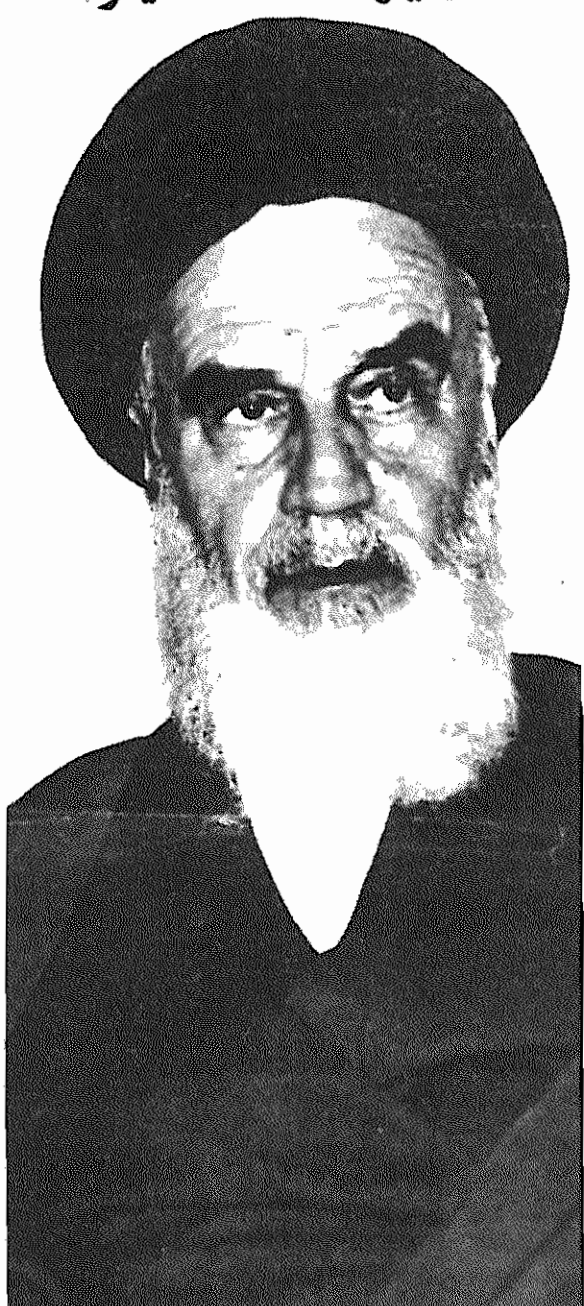
روز سه شنبه ۸ آبان ماه، امام خمینی، در دیدار با اعضاء کمیته امداد، سخنانی ایراد کرد که از نظر اهمیت آن، ما بخشهای اساسی آنرا در زیر به اطلاع خوانندگان مردم می رسانیم.

ما باید بدانیم که خود ما باید مسئول فعالیت باشیم. خود ملت در هر جا که هست باید به خرابیها که در طول مدت شاهنشاهی و در طول این پنجاه و چند سال برای مملکت ما پیش آمده است، خود ملت باید قیام کند.

ما از اول هم امیدمان به ملت و جوانهای برومند ملت بود. ماهیچه توجهمان به خود ملت، به نیروی انسانی الهی ملت بوده است و با استعداد از همین طبقه کارگر، طبقه جوان تحصیل کرده، بازاریها، از طبقات پائین و بقول من طبقات بالا، استفاده کردیم. اینها بودند که نهضت را با اینجا رساندند و اینها هستند که میتوانند آنرا به پیش ببرند. اینها بودند که در آفرمان که نهضت کرده بودند، نشستند فلان استاندار با آنها همی می کردند یا فلان اداره با آنها همی می کرد. اینها خودشان قیام کردند و بسیاری از ادارات و کارمندان ادارات هم کمک کردند. لکن در بین اینها افرادی هستند، افرادی هستند که الان هم مسئول کارشکنی هستند و اینکه می بینید شما کمک نمی کنید، این روی طرفداری است که اینها در رژیم طاقتور داشتند که ما باین زودی نمی توانیم آن طرفداری را عوض کنیم. در ملتها در طول پنجاه سال، طرفداری پیدا نموده است که باین زودی نمی شود آنرا عوض کرد. آنها بیکسور خدمت رژیم بودند و چندین سال با آنها خدمت کردند و الان هم خدمتگزار اجانب هستند و الان هم از روی این برادرند که با آن رژیم یا فاسدتر از او بر گردند که اینها باز هم کاخ نشین شوند و ملت ما حتی کوخ هم پیدا کنند، اینها الان هم در خدمتند. همینها که چند نفرشان اینروزها در جانی اجتماع کرده بودند، امروزه بودند که در ایران اشخاص را اعدام کرده اند. همان مطالبی را که آمریکائیها آنها میگفتند، اینها در ایران و در یک محضر محترم می گفتند. که این اعداها اسباب این می شود که ما دیگر حیثیت را در دنیا از دست بدهیم. ما حیثیتی در زمان محمد رضا داشتیم که داریم از دست می دهیم. ما خیلی حیثیت داشتیم. کدام حیثیت را شما پیش خارج داشتید که حالا میخواهد از دست برود؟ ما جنایتکارها را بگذاریم در بین مردم ما درها و پدرهایی که بچه هاشان را کشته اند، راه بروند. برای این که شما دلتان می خواهد در خارج بشما تبریک بگویند.

شما آقدر منزهای خودتان را باخته اید که خیال می کنید اگر چند جنایتکار را اعدام کنند و چندتا را تادیب کنند، حیثیتتان از بین می رود. شما چه حیثیتی دارید که از بین برود. دنیا شما را به چه حیثیتی قبول کرده است. آمریکائی که می گوید دوا را اینجا صرف نکند و بفرستد «جهان سوم»، دوائی که آنجا از باب اینکه ضرر دارد، به مردم نرسد، می گویند به دنیای سوم بفرستید، شما این حیثیت را در دنیا دارید و ما می خواهیم این حیثیت را از بین ببریم و یک حیثیت انسانی برای شما پیدا کنیم.

شما آقدر برای خائنی از قبیل نصیری گریه نکنید. می گویند منزها فرار می کنند. بگذارید این منزهای پوسیده فرار کنند. منزهائی که برای اجانب کار کردند منزهائی که جز وسایزمان امتیاز بودند،



بگذار فرار کنند. شما برای آنها خیلی افسرده نباشید. این منزها باید فرار کنند. البته الان این منزها می بینید که نمی توانند آن استفاده های که می کردند، ادامه دهند. اینجا را ترک می کنند و دنبال همان مسافری که دلتان می خواهد، می روند. مگر هر منزهائی که بقول ما «علم در آن بود، شریفه است. احمدی هم در زمان رضاخان دکتر بود، لکن دکتر بود که با آمبول خود، می رفتند و تزریق می کردند (آمبول هوا). احمدی را شاید اکثر شما، آشنی را هم نشنیده باشید. اما ما در آن زمان بودیم. او امروزه به میلیون بیست در صفحه ۲

تلگرام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به امام خمینی

رهبر انقلاب ایران بمناسبت عید قربان

به حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران:

کمیته مرکزی حزب توده ایران - عید قربان، عید بزرگ اسلامی را به حضور شما و همه مردم مسلمان ایران صمیمانه تبریک می گوید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از فرصت استفاده کرده اعلام میدارد که حزب توده ایران از منشی قاطع و همکار شما در مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و انگلستان، یکفته شما «دشمن اصلی» و «تمام گرفتارهای ما از آنجاست»، برای تامین استقلال ایران در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، قاطعاً و با صداقت بی خدشه انقلابی پشتیبانی میکند. شما در موضع مستضعفین در مقابل مبارزه با مستکبرین، در موضع ستمدیدگان بر ضد مستکبران، در موضع طبقات زحمتکش - کارگر و کشاورز، در برابر استثمارگران آزمند، در موضع کوخ نشینان در برابر کاخ نشینان، استوار ایستاده اید. حزب توده ایران از این موضع گیری و ایستادگی شما با تمام توان خود پشتیبانی می کند. دیکتاتوروی یا حکومت استبدادی، علاوه بر مستکبری، باعث فساد و فحاشی زحمتکشان، موجب فلج ابتکار خلاق و نیروی جوانان خلق است و شما اعلام داشته اید که دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است. حزب توده ایران از این موضع گیری شما با تمام نیروی خود پشتیبانی میکند.

شما معتقدید که همان گونه که وحدت کلمه نیروهای انقلابی توانست رژیم ددمنش «طاغوت» را درهم شکند، همین «وحدت کلمه» برای سازندگی ایرانی مستقل، آزاد و آباد ضروری است. حزب توده ایران در راه همین وحدت، در راه اتحاد تمام نیروهای راستین انقلابی در جبهه متحد خلق، بقدر توان خود با همکاری کوشا است. حزب توده ایران برای شما، که در مقام رهبری انقلاب بزرگ مردم ایران قرار گرفته اید و بیانگر و پرچمدار خواستهای اصولی انقلابی خلق هستید، عین دوازدهم و بیستمین ویریزی در مبارزه با خائلیت و استبداد و آزادی ایران، بیخاطر سازندگی ایرانی نو بسوزد زحمتکشان آزرومند است. درود صمیمانه ما را بپذیرید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۹ آبان ۱۳۵۸

بزرگوار است و بار بار با بان و زمینداران بزرگ، که خون طبقه کارگر و دهقانان و جوانان زحمتکش ما را در شیشه می کردند و می کشند و با احتیاجات تریز و ضعی آنها را استثمار نموده به فقر و محرومیت های باور نکردنی، محکوم می نمودند و می نمایند.

در این جبهه های اصلی و یردانه و سر نوشت ساز نبرد، کدام نیروی واقعی ملی و مترقی آزادخواه و ضد امپریالیست میتواند خود را مدافع بداند که از این «خط امام»، یعنی منشی سیاسی ضد امپریالیستی و طرفداری از مستضعفین جدا بماند و از آن بیخبر در صفحه ۲

و هدف استراتژیک ما، در مرحله کنونی انقلاب می شود، از آن حمایت می کنیم. مبارزه و خلق های ایران در حال حاضر مبارزه ای است با خائلیت و انقلاب اندیشه ها و توطئه های امپریالیسم و بویژه امپریالیسم انگلو و پنهان آنها، مبارزه ای است علیه بقایای نظام سرنگون شده، ولی همچنان فعال و وسیع گری که استبداد و آزادی کثیف و فاشیسم کرائی از وجود مشخصه آن بود و سازدگ خونخوار شکنجه گرها و سانسورچی ها و دستگاه تفتیش عقایدش از وسایل اصلی سطره ای، مبارزه ای است علیه گروه کوچک، ولی بسیار نیرومند سرمایه داران

و روشن طرفداری از مستضعفین است که در نطق دوم بیان شده و در جملات «مملکت مال جوانان ماست، مال زافه نشینان ماست... همین طبقه کارگر، طبقه تحصیل کرده جوان، بازاریها، این جوانهای اداری، دانشگاهی، این جوانهای دانشمند... و در دفاع از آنها» بیان و بتفصیل تشریح گردیده است.

مبارزه قاطع علیه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی و رواقسی مردم ایران و انقلاب ایران، دفاع صمیمانه و بیگناهی از منافع زحمتکشان و برتر شدن مصالح حیاتی و حق

برقرار باد جبهه متحد خلق

برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ مردم ایران

چاپ کردیم و حتما خوانده اید. روز ۸ آبان ام امام در برابر گروه امداد سخنانی گفت که حاوی نکات بسیار مهمی است و در همین شماره که بطور فوق العاده انتشار می یابد میخوانید.

این دو نطق، دو موضع گیری، دو مسئله عمده، دو موضوع اساسی را مطرح و بیان میکنند که در واقع اساس سیاست وحدت طلبانه حزب ما را با همه نیروهای راستینی

امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی و واقعی انقلاب مردم ایران است

از پیام امام خمینی نوطنه امریکای چپاولگر واسرائیل حنایتکار

بمناسبت روز عید قربان

حنایتکار

رابه گوش جهانیان برسانید

مادران از دست ندادند آنها نرویدند، مکارند، توطئه کردند، آدمهای خردشان را دارند و عوامشان سرگرم کردند. با نیروی اقتصادی شان، با روابط تجاری شان، با قدرتهای گشته واسلحه فرخنده شان، باواستی های عظیم و چندجانبه ای که ایجاد کرده اند، برمساحت انقلاب ما فشار می آورند و میخواهند آنرا ازجاده تکامل ضد امپریالیستی و خلقی خود دور کنند.

دربار این نیروی عظیم دشمن و معاشر، انقلاب باید دارای یک نیروی اجتماعی، قادر به هم آوردی و مقابله باشد با انقلاب باشد و پشت دشمن را بکشد آورد. این نیرو را جز در اتحاد همه انقلابیون سدید، همه ترقیخواهان و میهن دوستان و آزادخواهان نمیتوان یافت.

همه کسانی که موضع ضد امپریالیستی و خلقی دارند، باید این بانگ رسای امام را بشنوند و با کمک این بانگ، همه تحریف کنندگان خط امام یا تشکله کنندگان خط امام را افشانند. بدور شعار ضد امپریالیسم آمریکا، که دشمن اصلی دقایق و ساعت و شعار دفاع از زحمتکشان، که صاحب این مملکت است و انقلاب باید بود آنها وظایف خویش را انجام دهد، باید گرد آمد.

وظیفه همه عبادت از تحکیم و گسترش اتحاد همه نیروهای انقلابی، بویژه نیروهای انقلابی که از یکسو زیر پرچم اسلام راستین و مترقی مبارزه میکنند و از سوی دیگر نیروهای راستین می کنند و برمساحت انقلاب و طرفدار چپ مترقی، آزادخواه و ملی طلبی خود دشمن اصلی را امپریالیستها و عوامل استثمارگر آنها میدانند.

امام میگوید: «تمام گرفتاری های ما از امریکاست». امام میگوید: «کوخ نشینها هستند که سرمایه این مملکت هستند نه آن کاخ نشینها. و این مملکت مال کوخ نشینهاست».

تظاهرات روز پنجشنبه ۱۰ آبان، که جلوی سفارت آمریکا ختم می شود علیه سیاست این قدرت متجاوز زار، فارتگر و جهان نواز و هتکارش امپریالیسم انگلستان متوجه است و در آن توده مردم مستضعف، بی زحمتکشان محروم همین شرکت می کنند، مناسبت مهم و بزرگی است برای پشتیبانی از این کتله های امام و از این محتوی ضد امپریالیستی و خلقی «خط امام» مرحله تازه ای است برای آنکه تمام نیروها بسوی آن وحدت واقعی، که خواست همه انقلابیون است، بروند و در عمل راه را بسوی جبهه متحد خلق، این بزرگترین سلاح مردم انقلابی ما علیه امپریالیسم و بقایای رژیم سابق، علیه بهره کتان ستکر، علیه ضد انقلاب بکشایند.

با تمام قوا از مواضع ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی پشتیبانی کنیم! برای اتحاد همه نیروهای انقلابی، برای تشکیل جبهه متحد خلق، با تمام قوا بکشویم!

چاپ، کلویان

برقرار باد جبهه متحد خلق...

بقیه از صفحه ۱
ساده فتنه پستی پستی نکند؛ این جبهه ها عمده هستند و تکرار میکنیم سرنوشته ساز، در همه زمینه ها سرنوشته انقلاب ما، سرنوشته کشور مردم میهن ما، راه تکامل آینده ما و پیشرو گسترش دستاوردهای انقلاب ما و ایستادگی به نتیجه این نبرد. در اینجا جبهه ها هم چیز مهمی میشوند که برکس پیروز خواهند شد؛ آیا امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، بدست عمالش بر خلقهای میهن ما؛ یا مردم ایران بر امپریالیسم و بر موجودات کثیفی که در آمریکا با آنها مواجه هستیم و تمام گرفتاریهای ما از آنهاست؛ آیا مردم زحمتکش ما، مستضعفین، آنها که کار میکنند و زندگی میکنند را اداره میکنند و مملکت سال آنهاست، بر استثمارگران، بر سرمایه داران فارتگر و اربابان زمین خوار، بر مستکبرین، بر انحصارات چپاولگر و اهرمهای سلطه آنها پیروز خواهند شد؛ یا برکس، صاحبان زور و زور، آنها که اربابان و پادشاهان و فرار کردند و حالا هم یک پادشاهان فرار میکنند و می بینند اینجاد یکی جای دزدی نیست، بمنظور تجدید و تعدید زوری و غارت، بمنظور تصاحب کارخانه ها و زمینهای مزروعی، بمنظور بهره گیری از زانگه تیرانان کارگران و کشاورزان خواهند توانست بر زحمتکشان پیروز شوند؛ موضوع نبرد عظیم و حیاتی است. نبرد اصلی در همینجاست. جبهه عمده یکبار و گره اصلی در همینجاست. همه مسائل دیگر نسبت بسایه این فرعی است و حل درست آنها وابسته به حل درست این است. در اینجا جبهه ها باید چشم باز داشت، مغز آگاه داشت و قلب پر خورش داشت تا جبهه ها، دوست و دشمن را، متحد و خصم را بدرستی تشخیص داد و متحد کرد برای که و برای چه، از چه راه و با چه نیرویی میخواهیم در این نبرد پیروز شویم.

انقلاب ایران، انقلاب زحمتکشان، انقلاب مستضعفین است

ما میگوئیم که برای دفاع از انقلاب باید سیاست انقلابی داشت، یعنی باید در همه رسته ها، روش معروف به «گام به گام» را که، اینک دیگر بعد از هشت ماه و روشکستی اش ثابت شده، کنار گذاشت و قاطعانه عمل کرد. باید روش نادرده گرفتن یا کوشش برای سرکوب سایر نیروهای انقلابی و مترقی را، که ضد امپریالیستی و آزادخواه هستند، ولی دارای عقاید و نظریات معتقدانه در زمینه های فلسفی و مسلکی و غیره هستند، کنار گذاشت و دانست که انحصار طلبی بناچار پارتست. گزائی و حمایت از مستکبرین و در نهایت، کمک به ضد انقلاب و سرکوب توده مردم همگام خواهد شد.

ما میگوئیم که باید دستگاه را قاطعانه از وجود عوامل مغرب و مساوی و ضد انقلابی، که هنوز هم حتی در حساس ترین مقامات لانه کرده اند، پاک کرد. باید لیست ساوکی ها را منتشر کرد، باید طاغوتیان را، آنها را که در خدمت رژیم بودند و حالا هم خدمت گزار باجانب هستند و الان آزروی این را میکنند که با آنان مناسب یا فاسد تر از آن برگردد، که اینها باز کاخ نشین شوند، قاطعانه و بی تزلزل تصفیه کرد. باید همه کسانی را که با انقلاب و به امپریالیسم و ایمان دارند و خواستار استقلال واقعی و آزادی و ترقی هستند و میخواهند ایران مستضعفین نیز علیه مستکبرین جهانی برخاستند، به کار سازنده و به مشارکت فعال و آگاهانه، صرف نظر از عقاید و نظریات و تعلقات سازمانی آنها، فراخواند و انحصار طلبی های مغرب را کنار گذاشت.

ما میگوئیم که باید، به ضد انقلاب امکان نداد توطئه کند و این بقدرت زیاد وابسته بتوده ما، به نیروهای انقلابی، به حکومت انقلابی است. باید خواستهای بحق و مسلم زحمتکشان و کارگران و بیگانه های خانمان مایه های سرینماها را بر آورده ساخت و بر نامه روشن و دقیق علمی برای بر آورد ساختن تدریجی، ولی مسلم و مطمئن این خواستها را تدوین کرد و با کمک و بدست خود مردم زحمتکش و با اداره و مشارکت و نظارت شوراهای خود آنها، این خواستها را انجام داد. در اینصورت هیچ نیروی ضد انقلابی و نفاق افکنی نخواهد توانست از زمینه های ناراضی بحق، علیه انقلاب سوع استفاده کند. باید زمینه های زراعی را بخورد و قاتلان زحمتکش، که اینهمه از دست اربا بان ظالم به تنگ آمده اند و نسل اندر نسل مورد استثمار و تجاوز آنها قرار داشتند، آذکار کرد و زجر را از جنگال مالکان بزرگ غارتگری گرفت و بهزار داد. در اینصورت هیچ عنصر ضد انقلابی

سختان بسایه امام خمینی رهبر انقلاب در روزهای اخیر پیرامون دو موضوع اساسی، یکی نبرد ضد امپریالیستی و دیگری دفاع از زحمتکشان، که موضوع دایمی و دیگر و قاطع امام است، پایه مناسبی است. برای همکاری و همگامی که ضرورتش هر روز بیشتر حس میشود، برای وحدت واقعی همه نیروها، که سرنوشته انقلاب بسته به این است، برای ایجاد جبهه واحد مترقی، که همه خلق زحمتکش را متحد کند و انقلاب را نه تنها محافظت کند، بلکه به پیش برد، ما بویژه خود وظیفه انقلابی خویش میدانیم که مناسبت این نبرد سخنرانی با دیگران اهمیت و لزوم و وحدت و فطرت این مسئله را خاطر نشان سازیم.

پس ای کسانی که با سیاست حزب توده ایران آشنا هستید نام از موافق و مخالف، این نکته آشکار است که ما همیشه خواهان وحدت کلیه نیروهای انقلابی ملی و مترقی، خواهان ایجاد جبهه متحد خلق، خواهان دفاع مومن و مشترک از دستاوردهای انقلاب بوده و هستیم. ما ضرورت تشخیص مسائل عمده را از مسائل غیر عمده و وظایف عمده را از وظایف فرعی، همواره خاطر نشان ساخته ایم. حتی در بحبوحه نبرد خطرناکی که محافل انحصار طلب راستگرا انجام داده و خطری جدی برای انقلاب ما

دنباله بیانات امام خمینی

بقیه از صفحه ۱
کسانی که با دیکتاتوری مخالفت میکنند، آمبول مسرک (آمبول هوا) تزریق میکنند، حالا اگر چنین منبری از ایران فرار کند، ما بشنیم ضمه بخوریم که این منبر فرار کرده است؛ شما جاسوسان و جاسوسان متخسین می دهید که این منبرها که پیش اربابهاشان رفته اند، منبرهایی که در انگلستان مجتمع شده اند و برضد ایران تباخی میکنند، پناه داده و در زیر پناه سر نیزه انگلستان دارند زندگی می کنند. ما برای اینها اظهار تأسف کنیم؛ یا این منبرهایی که با امریکای فرار کرده اند برای آنکه بروند و پولهای را که از اینجا برده اند، آنجا خرج کنند. ما برای اینها بیایستی اظهار تأسف کنیم؛ دانشگاه ما باید این مملکت و این افکار را عوض کنیم. دانشگاه ما بیایستی از این افکار عوض شود. این منبرهایی که فرزند آن ساراسی، سال، چهل سال به تباخی کشیدند، بگذار فرار کنند تا یک منبرهای صحیح روی کار بیایند. حالا که اشخاص خیر مندم خواهند تصفیه کنند، شما نشسته ای ضمه میخورید که چرا تصفیه می کنید؟ ضمه می خوردید که چرا اعداء می کنید؟ برای چه کسی ضمه می خوردید. ای اساتید دانشگاه! (یعنی بعضی شان) برای نصیری نوح سرائی می کنید؛ برای هویدا نوح سرائی می کنید؟

جوانهای ما بیدار شوید. ای جوانهای برومند ما. ای خواهران ما، ای برادران ما، بیدار شوید. ای کسانی که بدست شما هفت پانچا رسیده و این آقایان که حالا اشکال می کنند، در کنار نشسته بودند. یا آنها کمک می کردند و یا بی تفاوت بودند، حالا در میدان آمده اند. ای جوانهایی که در مقابل توپ و تانک رفتید. ای خواهر هائیس که جوانهای خود را از دست دادید و خودتان هم در بین مردم تظاهر کرده و «الله اکبر» گفتید، هفت خودتان را حفظ کنید. نشینید دیگران برای شما کار میکنند. اینها برای شما کار نمی کنند. همانطور که اجانب کار نمی کنند. اینها هم کار نمی کنند.

باید ادارات تصفیه شود، باید فرهنگ تصفیه شود، باید بدست اشخاصی بیفتد که پولش با رضخان و محمد رضخان پولوی در سایه های طولانی نبوده. اینها که با آنها پیوند دارند، نمی توانند مملکت ما را اداره کنند. اینها باید تصفیه شوند. دولت باید اینها را تصفیه کند. همانطور که اینهمه کار انجام دادید و میگویند استاندارد ما همراهی نمی کند و شاید بعضی وقتها کارشناسی هم بکنند، ابتدا اعتنا به همراهی او نکنید و خودتان کار کنید. اتکال بقدرت الهی داشته باشید. همانطور که از اول نظرتان باین نبود که این قهرهای با شما کمک بکنند و نتکرند و شاید کارشناسی هم کردند. بمنظور حالا که بسازندگی رسیدید، خودتان سازنده باشید. خودتان دنبال مطالب خودتان بروید. ملت خود را بیدار کنید. مملکت مال شماست. این منبرها فراد می کنند و مملکت مال شماست. اینها اربابان و پادشاهان و فرار کردند و حالا هم دارند یکی یکی فرار می کنند و می بینند اینجا دیگر جای دزدی نیست.

مملکت مال خود شماست، مال جوانهای ماست. مملکت مال زانگه نشینان اطراف تهران است که من خدا میداند برای اینها ضمه میخورم که برای اینها تا بحال فکری نشده. مملکت مال اینهاست. هفت را اینها پیش برده اند.

در یکی از روزهای که تلویزیون اطراف تهران را نشان میداد و یکی از او می پرسید که شما چه می کنید، می پرسید بود که از سوراخی بیرون آمد، از جایی که جای انسان نبود، او گفت ضمه که میشود ما به تظاهرات میرویم و زندگی شان این بود و به ملت و نهفت کمک میکردند.

ماتر هون اینها هستیم، زندگی ما را اینها وامثال اینها اداره کردند و می کنند.

جوانهای دانشگاهی، جوانهای اداری، آنها که پیوند با ملت داشتند، بازاری، کشاورز، کارگر و همه اینها، آن طبقه بالا با کار می نداشتند و حالا هم کارشناسی می کنند و همه چیز می خواهند، میگویند منبرها فرار کردند. بگذار فرار کنند، چه کم فرار کردند. این منبرها، منبرهای علمی نبودند، این منبرهای خیانتکار بودند و الا کسی از مملکت خوشی فراموشی نمی کند بیرون آمریکا و انگلستان تا زیر سایه انگلستان زندگی کند؟ یا بختیار و امثال او پیوند می کنند؟ بختیار که مملکت ما را به پایهای کشید، بهتر که این منبرها فرار کنند. برای اینها و کسانی که کشته شدند، ضمه نخورید. برادران خودتان بیدار باشید که این منبرهایی که فراد می کنند، همین منبرهاست که شمارا به تباخی کشیدند. این منبرهاست که نگذاشتند جوانهای ما تحصیل کافی بکنند. اینها باید فرار کنند. دیگر جای زندگی برای آنها نیست. چون یک ملت بیدار نمی گذارد که شما هر کاری می خواهید بکنید، باید خودتان، اداره کنید. باید همه بیدار بیاییم و بنگر اینکه یک استاندارد می خواهیم، همراهی کنید، اتکال یا آنها نکنید.

یک تحولی حاصل شده است. همه طبقات، مهندس و دکت می آیند کار می کنند. اینها منبرهای انسانی دارند. اینها منبرهایی که فراد می کنند، ندارند.

ما منبرهایی داریم با آنکه منبر علمی هستند، دارند مردم کمک می کنند. ما این منبرها را می خواهیم، منبرهایی که حالا کم تمیز برایشان حاصل نیست، فرار کنند. چرا اینها ضمه نمی آیند و مقدار خودشان و مقدار مملکت ما را نمی فهمند؟ ما منبرهایی را می خواهیم که در عین اینکه دکت است و مهندس، به جهاد سازندگی می رود. ما منبرهایی را می خواهیم که از آمریکا با بیجا می آید و میگوید برای کمک آمده ام. نه اینکه از اینجا فرار کند. این منبرهای فرار بدرده نمی خورد، مملکت ما حالا آدم می خواهد، منبرهایی که زیر پناه انگلستان و آمریکا میروند.

دنیا الان نظارش به مملکت ماست. نه آن طبقه، به شما. نه بآن طبقه های سابق هم سر همه کارها بودند و الان هم شما میگویند بجهادشان را با اتومبیل، مدرسه میروند و از زمین اتومبیلها هست و ما برای جهاد سازندگی نمیروند. دنیا شما نظر دارد، نه باین اتومبیل سوارها. نه باینها که کاخ نشینند، کوخ نشینها هستند که سرمایه این مملکتند نه آن کاخ نشینها. خداوند این کوخ نشینها را برای ما حفظ کند.

نظام اقتصادی آینده ایران، سمت تکامل انقلاب ایران

انقلاب را تا پیروزی قطعی و نهائی

به پیش برویم!

بقایای زیربنا و روبنای رژیم پهلوی هنوز وجود دارد

بود و آن روبنای متغییر از زیربنای خود دفاع میکرد. انقلاب ایران می‌بایست آن زیربنا و آن روبنای محو و نابود سازد. پس از روشن شدن منظره ستون‌بندی اصلی رژیم طاغوت و ارکانیسم طبقاتی واجتماعی و سیاسی آن، اکنون این سؤال مطرح میشود که آیا انقلاب ایران زیربنای رژیم طاغوت و روبنای آن را نابود ساخته است؟

واقمیت اینست که گرچه انقلاب ایران شکل طاغوتی حکومت را، که سلطنت بود، ملغی کرده، برخی از ارکان و نهادهای آن اردم کوپیده و بدینسان روبنای سیاسی رژیم طاغوت را از ریسه متنزل ساخته‌است، ولی دستگاه دولتی مورث رژیم طاغوت، اعم از کسری و لشکری، هنوز از کابوس طاغوت نجات نیافته و در بسیاری از ارکان و بویژه نهادهای خود بصورت طاغوتی باقی مانده‌است. زیربنای طاغوتی، یعنی سرمایه‌داری بزرگ و زمینداری بزرگ، که وابستگی باامپریالیسم را به کشور ما تحمیل کرده، نیز با اینکه شر به‌خورد و متنزل شده، ولی در اساس خود هنوز دست نخورده باقی مانده است و نیازی به اجابت این مطلب نیست.

امید ضد انقلاب به وجود بقایای زیربنا و روبنای رژیم پهلوی است

بقایای زیربنای رژیم طاغوتی، یعنی سرمایه‌داری بزرگ و زمینداری بزرگ، آن‌زمنه مساعدی است که میتواند در شرایط مساعد و بیاری بقایای روبنای طاغوتی، یک‌بار دیگر رژیم طاغوتی را، بشکل دیگری، احیا سازد. این آن عمده‌ترین مطلبی است که هم نظریه‌پردازان و هم سیاستمداران و مسئولان امور جمهوری اسلامی ایران و محاذ حزب و سازمانها و محافل ملی و مترقی باید حتی لفظی فراموش نکنند و بزودی و با قاطعیت بکنار چاره‌اش باشند. خلاصه آن چاره عبارتست از، انقاي زیربنای رژیم طاغوتی و خورد کردن روبنای آن. تا آخرین خشت و ایجاد زیربنا و روبنای جدید رژیم مردمی. در غیر این صورت، رژیم مردمی بدون زیربنا و روبنای خود باقی خواهد ماند و بتدریج مسخ خواهد گردید.

آنچه که تا امروز ضد انقلاب را از عمل جدی باز می‌دارد، ترس از همان توده‌های میلیونی مردم است که کماکان در میدان زندگی روزمره پیمانی برای ابراز همبستگی با امام خمینی، بار دیگر شاهد عظمت و قدرت نیروی آن توده‌ها بودیم. ضد انقلاب، که یکسال قبل نیروی شکننده خلق را بچشم خود دیده است، میدانده که این نیروی عظیم در پشت سر رهبران انقلاب هست، سر بلند کردن هاست و سر کوب شدن همان، لذا ضد انقلاب تا تکمیل خود را حداقل در سه بخش بی‌ریزی کرده است.

۱) حفظ بقایای زیربنای رژیم طاغوتی، یعنی سرمایه‌داری بزرگ و زمینداری بزرگ و وابسته باامپریالیسم و بطور کلی حفظ حتی المقدور وابستگی اقتصادی، مسالی، بازرگانی، تکنولوژیک، فرهنگی و غیره باامپریالیسم.

۲) حفظ بقایای روبنای رژیم طاغوتی، یعنی ارکان و نهادهای و کادرا و اعمال خود در دستگاههای دولتی ایران.

۳) کوشش جهت مایوس کردن خلق از انقلاب و جدا ساختن آن از رهبران انقلاب.

ضد انقلاب بویژه میکوشد نخست بتدوین مذکور در فوق را بمورد اجرا گذارد و آن‌کجا مستقیماً وارد میدان عمل شود. ضد انقلاب با استفاده از امکانات و همکاری بصورت بقایای زیربنا و روبنای رژیم طاغوتی هنوز باقیست، برای رسیدن به این هدف، سخت میکوشد. بر سر مردن انواع اعمال خرابکارانه بقایای طبقاتی طاغوتی و اعمال طاغوتی چه در دستگاههای دولتی، چه در اقتصاد و سیاست، چه در مسائل اجتماعی، چه در مسئله مالی و پولی و بازار و خوار بار، چه در مورد مرزها و قومتها، چه در مسئله تامین مسکن و تامین کار، چه در مسئله خفه کردن دمکراسی و فشار بر احزاب و سازمانها و مطبوعات و محافل مترقی و مجبور پست، چه در مسائل مربوط به ملیت‌های مستعبد شده و سرکوب‌خوشتای برحق آنها، چه در سایه پراکنی و تیره ساختن منظره و ناپدید کردن چهره‌ها در نظام جمهوری اسلامی و دهها سدها مسئله دیگر، در این متن نمی‌توانیم که آنها را همه ذکر کنیم. است که ضد انقلاب بمنظور مایوس کردن و نا امید ساختن مردم از انقلاب و جدا کردن آنان از رهبران انقلاب انجام میدهد. لایقیدی نسبت به این مطلب بزرگترین خطرها را در بر دارد و باید همسنگ با خباثت‌نست با انقلاب شمرده شود. به انگیزه احساس همین خطرات است که بسیاری از دولتماندانان صادق و سوسیالیست انقلاب ننگ خطرها را بسا در آورده‌اند، که باید جنبه و با قاطعیت چینیید!

برای پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، باید زیربنا و روبنای مردمی را بوجود آورد

چه باید کرد و از کجا باید شروع نمود؟ از جانب برخی محافل دولتی و غیر دولتی پیشنهادها فراوانی داده میشود از قبیل اخذ تصدیق درباره محدود ساختن فروش ارز و یا محدود کردن واردات فلان کالا و غیره و غیره... گرچه بسیاری از این پیشنهادها در جای خود معیشت و با ارزش است، ولی دل‌خوش کردن باجرای اینگونه پیشنهادها در متن اقتصاد واجتماعی آنهم پاینده و عمیقاً بحرانی و نهادهای فاسد موروث رژیم طاغوت، در واقع سسه‌زدن بر آبروی کور است و پیاختش و تکاب بر ایوان خانه‌ای که خود از پایست و بنیاد ویرانست. برای بیایان رساندن انقلاب، با هیچ اقدام فرعی و جنبی نمی‌توان کاری انجام داد، بلکه باید بقایای زیربنا و روبنای رژیم طاغوت را تا آخرین خشت آن ویران ساخت و آنگاه بر خرابه‌های آن، زیربنا و روبنای رژیم مردمی را بوجود آورد. در این عمل، نه با اقدامات دیگری از این قبیل ممکن نخواهد شد، بلکه باید، همان‌طور که شاه دارای تاج و تخت را بر افکنده‌ایم، شاهان بی‌تاج و تخت، یعنی طبقات ذابنده و وجود آورنده رژیم طاغوت، یعنی سرمایه‌داران بزرگ و زمینداران بزرگ و وابسته باامپریالیسم را نیز از تخت اقتدار بزرگ آردیم و کلیه مناسبات و ارکان و نهادهای ناشی از منافع پلید بزرگ رانیست و نابود سازیم. باید بگوئیم که، سرنگون کردن این طاغوتیان، از سرنگون ساختن طاغوت اعظم بر مراتب متکثر خواهد بود.

حزب توده ایران، بمنظور از بنیان برکنار و انقاي رژیم طاغوت، برنامه تحول بنیادی در جامعه ایران را تدوین کرده و

تلگرام کارکنان شیر و خورشید سرخ مهاباد به «مردم»

روزنامه «مردم» از کارکنان شیر و خورشید سرخ مهاباد تلگرامی دریافت کرده است.

در بیان تلگرام گفته می‌شود: «ما ضمن امید نجات از جنگ ناخوسته و کشتار برادر بدست برادر، می‌خواهیم که هیئت‌های صلاحیتدار و مسئول باین شهر، علی‌الخصوص به بیمارستان شیر و خورشید اعزام و در دلدای ما و احتیاجاتمان را بر مرکز متمسک نمایند، با امید اینکه راه حل منطقی برای حل وضع اسفبار این شهر چنگ‌زده یافته شود.»

تاکنون بارها ساختمان بیمارستان را از طرف تانکهای دولتی، که اندوه متری بیمارستان عبور کرده‌اند، بر گبار گلوله بسته‌اند، هنوز آثار این گلوله‌ها روی در و دیوار ساختمان و اطراف آن بیمارستان مشهود است. آمبولانس بیمارستان... از طرف پاسداران بر گبار گلوله بسته میشود... تمام راههای منتهی به شهر قطع... و شهر در محاصره شدیداً اقتصادی و ارتباطی میباشد.»

سپس در تلگرام می‌آید: «در روزگروهی کشته و زخمی از زنان و کودکان بلاد مهاباد باین بیمارستان می‌آوردند که دیدن آرامش نسبی، برای تهیه مایحتاج وسیله خود از منزل خارج و مورد اسباب گلوله واقع شده‌اند. نمی‌توانند محله‌های شهر خالی از نسکه است و بعلمت در گریزها و صدمه به ساختمانها، از ترس جان خود ممکن و آماری خود را ترک کرده‌اند... در چنین شرایط بحرانی و مرگبار را دوی تلویزیون وضع شهر مهاباد را آرام توصیف می‌نماید.»

محیط مسموم شده و تحریک کشته و تلبانات و اخبار یک‌جانبه کار را بجائی میرساند که حتی عادی‌ترین اصول رعایت نمیشود و بیمارستان شیر و خورشید سرخ نیز از صدمه برکنار نمی‌ماند. این جریان بطور منقطع باین نام مردم ایران و فقط بسود امپریالیسم و صهیونیسم و بقایای رژیم طاغوتی است که میکوشند با ایجاد درگیری‌های خونین، انقلاب ایران را از داخل از پا آورند. به همین دلیل حزب توده ایران پیشقدم شد و از وجدان پارکله مردم ایران خواست که بحل مسالمت آمیز

دوبار در روزنامه «مردم» منتشر ساخته و همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی را برای تشکیل جبهه متحد خلق، بر مبنای این برنامه (که می‌تواند مورد تبادل نظر و تکمیل قرار گیرد) دعوت نموده است. مطالب عمده این برنامه بتدریج و با تفصیل بیشتر در روزنامه «مردم» توضیح داده میشود. در این جا میخواهیم عمده ترین اصول کلی این تحول بنیادی را بیان کنیم، گرچه خود خواننده پس از تعمق در شرحی که بالا داده شد، می‌تواند اصول کلی این تحول را تمییز نماید. و اینک ترس تحولی که باید در کشور ما ایجاد گردد:

۱- باید سرمایه‌های بزرگ و وابسته باامپریالیسم، محتلط با امپریالیسم و سرمایه‌گذارهای مستقیم خود کشورهای امپریالیستی در رشته صنایع، بازرگانی، بانک، بیمه، ترابری، خدمات، بهداشت، آموزش و پرورش، کشاورزی، دامداری و کلیه رشته‌های دیگر، که همه سرمایه‌داری بزرگ و زمینداری بزرگ ایران و همچنین سرمایه‌های فعال و آبادی آنها را در همه رشته‌های اقتصادی واجتماعی و فرهنگی در بر میگیرد، مسامحه و در اختیار دولت قرار داده شود، یعنی ملی گردد.

۲- باید از مجموع سرمایه‌هایی که به ترتیب فوق‌الذکر خواهد شد، با اضافه بخش دولتی، که از قبل وجود داشته، یک مالکیت و اقتصاد واحد، متحد و نیرومند دولتی، یعنی ملی ایجاد گردد، که در چهره دولت، به‌همه مردم ایران تعلق داشته باشد.

۳- بخت دولتی و یا ملی، که به این ترتیب بوجود خواهد آمد، باید وضعی داشته باشد که آمر و حاکم و مسلط بر زندگی اقتصادی کشور باشد و از هر لحاظ قدرت اینرا داشته باشد که مجموع اقتصاد کشور را بسود مردم هدایت نماید.

۴- واحدهای اقتصاد دولتی در همه رشته‌ها باید توسط شوراهای نمایندگی، اداره و رهبری شوند. دولت، طبق یک برنامه علمی و مترکز، و یککلیت ملی و شوراهای تمام اقتصاد ملی را اداره و رهبری خواهد کرد. بر واحدهای اقتصاد خصوصی باید نظارت دولت تولیدکنندگان برقرار شود.

۵- در توزیع درآمد ملی باید بسود مردم تجدید نظر بنیادی ایجاد گردد، یعنی درمزد و حقوق و قیمتها و مسکن و بهداشت آموزش و پرورش و بیمه‌ها و غیره تقیید بنیادی بسود مردم بوجود آید. بوجهی کشور باید از بوجهی تولید و تشریفاتی و ادارتی، به بوجهی تولیدی، و از بوجهی نظامی - تسلیحاتی، به بوجهی صلح و عدم تهدید فعال مبدل شود و به استقلال سیاسی و اقتصادی کشور خدمت کند.

۶- مقتضای زیربنای جدیدی که طبق مواد بالا بوجود خواهد آمد، باید روبنای جدیدی ایجاد شود و بدین منظور باید سراسر دستگاه دولتی و اصولاً شوراهای قرار گیری که روح آن عبارتست از انتخاب توسط توده مردم از این قبیل بالا و نه انتصابات توسط هیئت حاکمه از بالا به پایین.

۷- این دستگاه دولتی، دستگاهی است متکی بر اراده مردم، که در شرایط تاملین هر چه وسعتر و عمیقتر حقوق و آزادیهای دمکراتیک مردم و تأمین حقوق ملی و اجتماعی است، بسود خلق و استحکام هر چه بیشتر وحدت خلقهای ایران و استقلال کشور، شکل خواهد گرفت و استحکام خواهد یافت.

۸- سراسر زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باید طبق یک برنامه‌ریزی مترکز علمی تنظیم و اداره شود. بموارد فوق میتوان موارد دیگری را نیز افزود. ولی بهر حال سمت حرکت باید آن سمتی باشد که در بالا بیان کرده‌ایم است، حرکت درست استقلال اقتصادی و سیاسی کشور، دمکراسی مردمی و رفاه مردم. نام این جامعه را هر چه میخواهید بگذارید، ولی انقلاب ضد طاغوتی، انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک، انقلاب زحمتکشان و مستضعفان را در نیمه راه جوانمردان نماند.

مسئله کردستان بر مبنای رفع ستم ملی از خلق کرد، کمک کنند. و ما به خوشوقتی است که به‌همت رهبر انقلاب، امام خمینی و کمک مسئولان خیر اندیش و همه نیروهای انقلابی راستین، تحول امید بخشی در بر خورد به مسئله کردستان بوجود آمده‌است.

حال که تقریباً همگان بروشنی پی برده‌اند که مسئله کردستان از راه نظامی قابل حل نیست، منطبق چنین حکم میکنند که باید کلیه شیوه‌های برخورد نظامی بمسئله کردستان کنار گذاشته شود و با صمیمیت و رغبت در دست کاهش و خامت، سوزدانی از محموله ایجاد نظام از هیچ کوششی دریغ نکردند توجه کامل به تقاضای حق کارکنان شیر و خورشید سرخ مهاباد نیز باید گام اساسی و نه‌دره‌مین سمت باشد.

طبق اطلاع، هیئت ویژه کردستان تصمیم گرفته است که هر روز اطلاعیه ویژه‌ای در باره فعالیت خود و بطور کلی مشکل کردستان انتشار دهد. این تدبیر درست‌حیثیت ویژه، میتواند هر چه و هر چه را که در زمینه انتشار اخبار ضد و نقیض و تحریک آمیز و مسموم کننده در باره کردستان موجود است، پایان دهد، و همان‌طور که کارکنان شیر و خورشید سرخ مهاباد و همه مردم انتظار دارند، اخبار درست و درست استقرار صلح و اتحاد را در دسترس مردم بگرداند. با امید استقرار صلح، تحکیم برادری و پیروزی عدالت!

اطلاعیه

کانون دانش آموزان ایران با اطلاع عموم میرساند: هم‌انطور که در نامه سرگشته کانون مورخ ۳ آبان ۱۳۵۸ ذکر شده، ما معتقدیم که در حال حاضر راهیما و تنظرات شکل صحیح مبارزه برای تحقق خواسته‌های دانش آموزان نیست و تنها موجب سوء استفاده ضد انقلاب و عناصر راست گرا و چپ‌نما می‌شود.

کانون در آن نامه راه صحیح مبارزه برای بدست آوردن حقوق مسلم دانش آموزان را ارائه داده‌است. لذا، تنظیمات تحریک آمیز و تفرقه افکنانه روز و شب ۷ آبان در زمین چنین دانشگاه تهران را منطبق با خشمی اصولی و در عملی کانون نداشته و در آن شرکت نکرده است. کانون دانش آموزان ایران ۱۳۵۸

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

آغاز سی و نهمین سال زندگی پر افتخار حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، مکتب روز بهما، سهامک‌ها، حکمت‌جوها، و تیز آبیها... سنگر مبارزین راسوسیالیسم علمی، را به مردم ایران، به طبقه کارگر ایران و به شما رفقای خستگی‌ناپذیر کمیته مرکزی و همه اعضای و هواداران حزب صمیمانه شادباش می‌گوئیم و آماده‌ایم تا پای جان در بهر رساندن اهداف انقلابی و انسانی حزب خود بکوشیم. هواداران حزب توده ایران در همدان

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

آغاز سی و نهمین سال زندگی پر از نرنج و افتخار حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، مکتب روز بهما، سهامک‌ها، وارتلسان‌ها، حکمت‌جوها و تیز آبیها را به شما و همه رفقای حزب تبریک می‌گوئیم. مستحکم باد پیوند کارگران و زحمتکشان با حزب توده ایران - هواداران حزب توده ایران - روستای خمیران، بندر انزلی

برگزاری شبهای شعر خوانی و سخنرانی در شرایط موجود به سود انقلاب و به مصلحت کانون نویسندگان ایران نیست

کنند، بهتر است برگزاری شبهای شعر خوانی و سخنرانی به فرصت مناسب دیگری موکول گردد.

برخورد این دو نظر تاکنون در دو نامه به اعضای پنج تن از اعضای با سابقه کانون و پاسخ توأم با تهدید هیئت دبیران به نامه اول منعکس شده است. اینک بمنظور پسرین از اطناب تنها متن نامه دوم برای اطلاع در اختیار آن روزنامه گرامی گذاشته می شود. خواهشمند است دستور فرمایند برای آگاهی مردم، در صورت امکان، همه آنرا یادآور نام پنج نویسنده و شاعرانی که آنرا امضا کرده اند در صفحات روزنامه چاپ و منتشر کنند.

با آرزوی توفیق در خدمت به انقلاب و مردم،
محمود اعتمادزاده (به آذین) - سیاوش کسرایی - امیر هوشنگ محمدتقی برومند

نامه زیرین از جانب آقایان محمود اعتمادزاده (به آذین)، سیاوش کسرایی، امیر هوشنگ ابتهاج (سایه)، فریدون تنکابنی و محمدتقی برومند، نویسندگان و شاعران سرشناس عضو کانون نویسندگان ایران، به دفتر «مردم» رسیده است، که برای اطلاع خوانندگان گرامی درج میگردد.

چهارشنبه ۹ آبانماه ۱۳۵۸
هیئت تحریریه روزنامه «مردم»
مسئله برگزاری شبهای شعر خوانی و سخنرانی کانون نویسندگان ایران، که می بایست از دور آبانماه جاری تادمشپ متوالی در زمین چمن دانشگاه ادامه یابد در یکماه اخیر بارها در مطبوعات انجمنی یافته است. در این باره کانون، با توجه به موقعیت خطیر کنونی و احتمال حادثه آفرینی از سوی عواملی که برای دستیابی به مقاصد خود خواهان نشان محیط سیاسی ایران را مشتعل می خوانند، از زبان سخنگوی هیئت دبیران خود چند بار اعلام کرده است که امنیت برگزاری این شبها باید از سوی وزارت کشور رسماً طی نامه ای تضمین گردد، وگرنه کانون اقدام به برگزاری

«پاکسازی» در وزارت آموزش و پرورش بهانه ای برای تصفیه عناصر مترقی

کنند، آنها را می بخشیم و آنوقت میتوانند به کارشان در آموزش و پرورش ادامه دهند.»
بموجب اطلاع موقت دیگری، از رفتن یک گروه ۱۸ نفری فارغ التحصیلان دانشسرای راهنمایی تحصیلی بندرعباس، که بنا به قراردادی تهمد خدمت در آموزش و پرورش داده اند، به کلاس درس میماند بعمل آورده اند و مقامات مسئول در توضیح این عمل گفته اند که، این عده دارای ایدئولوژی مغایر اسلام هستند. گروه دیگری که در سال اول دانشسرای راهنمایی تحصیلی قبول شده اند، بنا بر همین «دلیل» نتوانسته اند در سال دوم ثبت نام کنند، و بنا بر همین «دلیل» از ثبت نام گروهی از دانش آموزان دانشسرای مقدماتی در سال دوم تحصیلی جلوگیری بعمل آمده است.

با کمال تأسف باید گفت که آنچه در وزارت آموزش و پرورش میگذرد، کم و بیش در سایر وزارتخانه ها و ادارات دولتی نیز جریان دارد و در حالیکه مدیران، روسا و مأموران عالی رتبه رژیم پیشین همچنان مسدود مقامات حساس مملکتی هستند، عناصر درستکار، دانشور و مبارز به بهانه داشتن افکار «چپ» مشمول تصفیه واقع میشوند. ولی این «تصفیه» در وزارت آموزش و پرورش ویژه سنگین تر است. در این آفتاب مسئولان ظاهر آنگرانند که میباید دارندگان افکار «چپ» برخلاف ایدئولوژی اسلامی حرکت کنند و انقلاب را بخاطر اندازند!

باید به سراحت گفت که در پیروزی انقلاب ایران، روحانی و توده ای و مجاهد فدایی و مصدقی همه با هم بودند و آنچه اکنون انقلاب مارا تهدید میکند، افکار «چپ» نیست، بلکه امپریالیسم و کارگزاران آنست که چپ نماها، راست ها، ساواکی ها، چپموم و چپمکلاد آن شرکت دارند. باید همه نیروهای راستین خلق را برای سرکوب این خطر بزرگ گردم آورد و نه آنکه با مرکزگی میان اسلامی و غیر اسلامی، مذهبی و غیر مذهبی، نیروهای انقلاب را تجزیه و تضعیف کرد.

آموزش و پرورش کودکان ما باید در دستهای کسانی قرار گیرد که انقلاب ایران را به ثمر رسانند و اکنون نیز برای پاسداری از دستاوردهای آن آمادگی دارند. تنقش عقاب، وادار کردن افراد به «توبه» و ردیه نویسی، در شان انقلاب ایران نیست و کسانی که مروج این زشتکارها هستند، یا خود شد انقلابی با اعلا، چه خواهند چه نخواهند، آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند. باید این ضد انقلاب را شناخت. باید این ناآگاهان متوجه عواقب عمل خود شوند. نباید از همه نیروهای خلقی، همه کسانی که به انقلاب وفادارند، سر نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی آنان در نظام نوین دولتی، انجمله در آموزش و پرورش استفاده کرد. این تنها راه صحیح است. هر راه دیگری سرانجام نامطلوب و دردناکی خواهد داشت. امید است این هشدار ما، تا دیر نشده، مورد توجه قرار گیرد.

چنانکه در شماره های پیشین «مردم» نوشته، مسئله «پاکسازی» در وزارت آموزش و پرورش به معنای سرزگشی میان انقلاب و ضد انقلاب، برکناری عناصر ناپاب، یعنی وابستگان به رژیم پیشین، یا تکران «انقلاب سفید» و فرهنگ آریامهری از ساخت مدارس است. تا این عناصر نتوانند در جهت هدف های نا پاک ضد انقلاب، کودکان مارا از مسیر انقلاب منحرف سازند.

مقامات نه خواهد بسیاری در دست است که برخی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، با سوءاستفاده از بهشتنامه نخست وزیری در مورد «پاکسازی»، دست به برکناری مدیران، آموزگاران و دبیرانی زده اند که پیشینه مبارزاتی درخشانی علیه طاغوت دارند. در اعتصام های پیروزان انقلاب فعال بوده اند و اکنون نیز مایلند آتش شعله ناک انقلاب را برای مقابله با ضد انقلاب، در روح مسموم کودکان فرزندان نگاهدارند.

نامه نویسنده سرشناس، آقای فریدون تنکابنی، که در روزنامه ها، از جمله در «مردم» انتشار یافت، هر فرد مؤمن به انقلاب را نگران میسازد و تسلیدی بر این حقیقت تلخ است که وزارت آموزش و پرورش درصدد «پاکسازی» مدارس از عناصر مترقی است و نه از ضدانقلاب. نامه های دیگری نیز به ما رسیده است که بر این واقعیت تأکید دارد.

یکی از علاقمندان «مردم» ما نوشته است که، مدیر دبیرستان دخترانه کمال، واقع در ناحیه هفت تهران، سه تن از دبیران را با این استدلال که، «آیدئولوژی آنها با ما یکی نیست»، در اختیار کارگزی گداخته است. نویسنده نامه این سه نفر را افرادی مومن به انقلاب و از زمره دبیران مترقی و زحمتکش میدانند و مدیر دبیرستان را فردی از هواداران شاه مخلوع معرفی میکند، که تا آخرین لحظه کوشش داشت از اعتصاب های دانش آموزان جلوگیری کند. نامه دیگری حاکی است که آقای علی رضا جباری، یکی از دبیران دبیرستان های ناحیه یک آموزش و پرورش شیراز، شاعر و مترجم، «بنا به ضرورت انقلاب»، در اختیار کارگزی اداره کل آموزش و پرورش گداخته شده است. دبیر نامبرده در نامه اعتراضیه خود به مدیریت کل آموزش و پرورش استان فارس بدستی مینویسد:

«وجود و تداوم تضییقات باقیمانده از ایام طاغوت و طاغوتیان را درون شان انقلاب راستین مردم ایران دور مسیر مغایر با آن میدانم و سر بیا اعلام میکنم که اینگونه رفتارهای مبتنی بر بی توجهی به عقاید و آرام گونه کون مردم، شامل اخراج، انتقال، تغییر پست سازمانی یا انتصاب بر مبنای استبداد خود کامگی و بدون توجه به اصل شوراء... عمیقاً با ضرورت های جامعه معقول مآرد تضاد است.»

گزارش دیگری داریم از شهر «خین»، که بموجب آن یکی از روحانیون مردم را در میدان شهر جمع کرده و گفته است که «چپ ها نمی بایست در آموزش و پرورش تدریس کنند و اگر آنها در میدان شهر حاضر شوند و در جلوی مردم توبه

سهشنبه ۵۸/۸/۸ هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، اعضای محترم کانون، دوستان عزیز:

در جلسه عمومی سهشنبه گذشته، اول آبان ۱۳۵۸، برای لحن افترا آمیز و موارد فراوان عدول از حقیقت نوشته ای که در پاسخ نامه مورخ ۵۸/۷/۲۸ با اعضای آقایان محمود اعتمادزاده (به آذین) - سیاوش کسرایی - امیر هوشنگ ابتهاج (سایه) - فریدون تنکابنی و محمدتقی برومند از طرف هیئت دبیران خوانده شد و در پایان تهدید سخنی هم در برداشت، متن نامه در غلبان احساس و قضاوت های از پیش ساخته بر گزار شد. باید براسی متأسف بود، چنین چیزی در شان کانون ما نیست. کانونی که علت وجودی و راستای فعالیت هیئت دبیران در راه آزادی بیان و قلم، تخریب همگان به تحمل آراء و اندیشه های مخالف، و تضمین مقابله آزادی فعالیت اندیشگی و هنری یکدیگر بوده است. این چه بیثباتی است که هیئت دبیران و برخی اعضای کانون به شنیدن عقیده ای خلاف آنچه خود بدان عشق می ورزند نشان می دهند؟ آیا تنها آن بار عداوت و رسوبات محیط دبیرهای استبدادی را که در آن بس برده ایم، باید مهم کرد، یا نیت خاصی در کار است که بر ما پوشیده است؟

برخورد ناروایی که در جلسه عمومی گذشته شاهد آن بودیم، ظاهراً از آنجا سرچشمه گرفته است که چند تن از همکاران با سابقه شما جرأت نمودند و آنچه را که در جلسات متعدد عمومی و جلسات کمیته برگزار کردند به کرات گفتار بودند روی کاغذ آوردند و در نامه ای رسمی به هیئت دبیران تسلیم کردند. در آن نامه به جو برانگیخته سیاسی، به حوادث اسف بار کردستان و خوزستان، به درگیری پیوسته و خونین آنزلی اشاره می شد، و با تکرار آن که میباید شبهای شعر خوانی و سخنرانی کانون نویسندگان ایران بهانه حاد آفرینی به گروه ها و دسته های غیر مسئول و مخالف از نظر قبول بدهد و درواکش آن حتی موجودیت کانون به خطر بیفتد، گفته می شد، حال که وزارت کشور به تضمین امنیت این شبها تن نمیدهد (و هیئت دبیران هم، طس اعلامیه ها و مساجدها، برگزاری شبهای کانون را به چنین تضمینی از سوی وزارت کشور، مشروط کرده بود)، بهتر است و به صلاح است که این امر به موقع مناسب دیگری موکول گردد. نکته قابل توجه آن که وزارت کشور در آخرین نامه ای به تاریخ ۵۸/۷/۲۹، بار دیگر یعنی یک روز پس از هشدار پنج تن از اعضای کانون، بار دیگر از تضمین امنیت شبهای شعر و سخنرانی سر باز می زند و با

تفرقه افکنی چهره های از ضد انقلاب است

دhqانان «کار تیج کلاه» و روحانی نمای متخصص مبارزه با شوروی و کمونیسم!

روستازاده ای از روستای «کار تیج کلاه»، از توابع «قائم شهر»، نامه مفصلی نوشته، که خلاصه «مضمون آنرا منتشر میکنم تا خوانندگان «مردم» با چهری دیگری از فعالیتهای ضد انقلاب آشنا شوند.

ما دهقانان این دیار، مانند همه دهقانان فقیر و محروم ایران، از ظلم و ستم مالکان بزرگ و همدستان آنها بیجان آمده ایم و در فکر راه نجاتی هستیم تا از این تیره روزی خلاص شویم. مردان و زنان و کودکان ما گرسنه اند، مسکن و بهداشت و فرهنگ نداریم. از همه چیز محرومیم. همه عمر جان میکوریم و دستر فی ما را زمینداران بزرگ و سرمایه داران غارت میکنند... کسی هم به داد ما نمیرسد.

سال گذشته شور و شوق انقلاب به ما جان بخشید. مسجد ده پایگاه مقدس انقلاب ما بود. اسماعیل هم، پیش از رسیدن ماه رمضان، دلمان خوش بود که در این مساء مبارک در مسجد دور هم جمع میشویم و از بزرگترها چیزها یاد میگیریم. و چون شنیده بودیم یک روحانی بد ما خواهد آمد، روز شماری میکردیم تا از مضرا و خیر خواهی ها و مصالح اندیشی هایش استفاده کنیم. ولی هیئت!

روحانی نمایی که اهل بابل است و به او «آقا» میگفتیم به ده آمد. اولین حرفش این بود که «تخصص» او «مبارزه با شوروی و کمونیسم» است! ما مشتاق زیارت یک روحانی واقعی بودیم که در مکتب امام خمینی پرورش یافته باشد و تخصص او مبارزه با مستکبران و ربا خواران و نامسلمانانی باشد که حتی ما را غارت میکنند و ما را به روز سیاه نشانده اند. ما میخواستیم که ظلم و بیاد مالکان بزرگ و همدستان آنها برانگیزد. ما زمین میخواستیم، آب میخواستیم،

اشاره به قصد هیئت دبیران به برگزاری هر چه با داد اباد این شبها تلویحاً مسئولیت هر حادثه احتمالی را به گردن کانون می انداخت.

براسی نمی توان دانست که این امر از هیئت دبیران در برگزاری شبهایی که به گفته آقای دکتر پیر هام در جلسات کمیته برگزار کنند مفهومی سیاسی دارد از کجا می آید؟ آیا این نیست که پارامی سازمانها و گرایشهای سیاسی که به هر علتی امکان فعالیت آشکار ندارند، از آنجا که در ترکیب کانون هیئت دبیران رسوخ یافته اند، می خواهند این شبها را به صحنه تبلیغات خود تبدیل سازند، یا کانون را پوششی برای فعالیت سیاسی خاص خود کنند، - چیزی که مطلقاً با اساسنامه کانون و موضع اصولی آن منافات دارد. هر چند که هیئت دبیران فعلی در طول هفت ماه که از انتخاب آن می گذرد در چند مورد مشخص، یعنی صدور اعلامیه به حمایت از روزنامه ای بسا موضع خاص سیاسی و شرکت نساموجه در برخی میتینگها و اعتصابات سیاسی سابقه ای از این لحاظ ایجاد کرده و بموقع خود مورد اعتراض قرار گرفته است.

با مسئولیتی که هر عضو کانون نویسندگان ایران در حفظ راستای درست کانون طبق اساسنامه و مر نامنه آن احساس می کند، با علاقه شدیدی که هر یک از ما به موجودیت مستقل کانون در خود سراغ دارد. یک بسار دیگر به قوت و سراجت اعلام می کنیم که برگزاری شبهای شعر خوانی و سخنرانی در شرایط موجود به سود انقلاب ایران و به مصلحت کانون نویسندگان نیست، و از هیئت دبیران می خواهیم که بیش از این در موضع لجاج نایستد و در تصمیم خود تجدید نظر کند. در پایان، از آنجا که هیئت دبیران در نامه مورخ ۵۸/۸/۱ خود که در جلسه عمومی خوانده شد، از سر ناشکیبایی در برابر سخن حق و حکم مصلحت، پس از یک رفته تهمت به ما نماسازی مارا مستبدانه تهدید به اخراج از کانون کرده است حقاً انتظار روزی خواهیم انوسی هیئت دبیران داریم و امیدواریم که در آینده اظهار عقیده مخالف را برای روشن شدن ذهن ما به آزادی بیان در عمل احترام بگذارند. حفظ وحدت کانون به چنین مراقبتی بستگی دارد.

شما هم دسته جمعی با صدای بلند دم بگورید و تکرار کنید: «اسلام پیروز است، کمونیسم نابود است!» اما چون میدید صدای مردم زیاد و بلند و با شور و هیبت، میگفت: «۱۹۱۶ نشد. این به درد نمی خورد اگر صدای شما تا مسکو نرسد، لااقل باید تا لب مرز رسد و آن دیگر به همت شما بستگی دارد. بلند بگورید بیستم، اسلام پیروز است، کمونیسم نابود است!»

اخبار دهقانی

مدرسه و درمانگاه و مسکن و جاده و برق میخواستیم. ما نشان و کار میخواستیم... وانگهی مگر دشمن اصلی ما، چنانکه امام خمینی همیشه تأکید میکند، آمریکا و صهیونیسم نیست، به که ونوسم چه کار داریم و به دوروی چه کار داریم؟

«آقا» دهقانی در روزنامه «مردم» در شماره مورخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸، در جوابی به نامه ای که از طرف یک دهقانی نوشته شده، میگوید: «ما دهقانان هستیم و ما را باید از دست مستکبران و زمینداران غارتگر نجات داد. ما را باید از فقر و گرسنگی نجات داد. ما را باید از بیسوادی و بیسوختگی نجات داد. ما را باید از بیعدالتی و بیگانه گری نجات داد. ما را باید از بیایمانی و بیگانه گری نجات داد. ما را باید از بیگانه گری نجات داد. ما را باید از بیگانه گری نجات داد.»

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیرین با «مردم» مکاتبه کنند:

- آدرس مکاتبه با «مردم» در پاریس
Pigal Albert
B.P. 76160
75001 Paris
آدرس مکاتبه با «مردم» در ریاض
Shams
Via G. vincon, 44
Ostia (Roma)
Tel. 6614922 (TUDEH)
آدرس مکاتبه با «مردم» در انگلیس
P.O. Box 141
London. E7OPE
۱۰۰۱
- از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم
علی غ. از منبیل ۵۰۰۰ ریال
ی. ش. ۵۰۰ ریال
مریم با بازاده ۵۰۰ ریال
محمود احمدی ۶۰۰۰ ریال
۱۰۲ از شیراز ۴۰۰۰۰ ریال
۶۶۶ از شیراز ۳۰۰۰۰ ریال

- رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران
آغاز سی و نهمین سال فعالیت حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، را بشما و همه اعضاء و هواداران حزب صمیمانه تبریک میگویم.
- اعضاء و هواداران حزب توده ایران در انگلوفورت (آلمان فدرال)